

ضمن آنکه سهام چنین شرکت‌هایی را به صورت نقد هم نمی‌توان واگذار کرد؛ زیرا کسی آن را نقد نمی‌خرد. مثلاً ۳۰ درصد را نقد می‌دهند و بقیه را به صورت دو یا سه ساله و اقساط پرداخت می‌کنند. پیشنهاد ما این است اگر می‌خواهند شرکتی را به ما واگذار کنند، شرکت‌های بورسی و یا DPS محور (شرکت‌هایی که سود بیشتری را بین سهامداران خود پخش می‌کنند) بدهند. در حال حاضر دولت فولاد مبارکه و شرکت ملی مس را در زیرمجموعه خود دارد. کشتیرانی و مخابرات را در سهم دارد. اینها شرکت‌هایی بورسی و سودده هستند. حداقل اگر قرار است سهامی به سازمان تأمین اجتماعی منتقل شود، این شرکت‌ها را به ما واگذار کنند؛ نه اینکه شرکت‌های مشکل‌دار را به ما بدهند. همین پالایشگاه شازندی هم که امسال ۳۱ درصد سهمش را حدود ۸۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به سازمان تأمین اجتماعی واگذار کردند، بالاتر از قیمت کارشناسی و ذاتی آن به ما منتقل شد. وقتی که شما شرکت‌های مثل شپنا و پالایشگاه بندرعباس را با هم مقایسه کنید، می‌بینید این شرکت ۶۰ درصد بالاتر از قیمت واقعی قیمت خورده و به ما منتقل شده است. این اتفاقات باعث می‌شود سازمان دچار مشکل شود. بر اساس گزارش حسابرِس رسمی در سال ۱۴۰۰، آخرین مطالبات ما مبلغ ۴۶۳ هزار میلیارد تومان اعلام شد. امسال طلب ما از دولت به حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده و دولت این مبالغ را پرداخت نمی‌کند و ما مجبوریم از سیستم بانکی استقراض کنیم.

چرا در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ هیچ عددی برای تسویه بدهی تأمین اجتماعی در نظر گرفته نشده است؟

هنوز که لایحه بودجه به تصویب نرسیده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس به عنوان یکی از ایرادات لایحه بودجه سال آ آینده به این اشکال اشاره کرده است. آیا این امکان وجود دارد ردیفی برای مطالبات تأمین اجتماعی به لایحه بودجه در مجلس افزوده شود؟

ما در جلساتی که با سازمان برنامه داشتیم، قرار بود این اتفاق بیفتد و مبلغ نقدی را در نظر گیرند اما شواهد نشان می‌دهد عدد کمی را در لایحه بودجه گنجانده‌اند. این مبلغ عملاً پایین است و کفاف تعهدات ما را نمی‌دهد. سال گذشته برای صندوق کشوری ۱۶۰ هزار میلیارد تومان اعتبار در نظر گرفته شد. دولت برای ساتا حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان گذاشت. برای صندوق فولاد ۶ هزار میلیارد تومان نقدی گذاشت. چرا برای سازمان تأمین اجتماعی رقمی نمی‌گذاریم؟ تازه ما طلبکار هستیم. صندوق‌ها از دولت طلبکار نیستند. آنچه در بودجه گنجانده می‌شود، کمک دولت به این صندوق‌ها است. بر اساس پیش‌بینی‌ها، ما برای سال آینده حداقل در ماه ۱۲ هزار میلیارد تومان کسری داریم. باید حداقل ۱۰۰ هزار میلیارد

تسویه غیرنقدی دیون، تأمین اجتماعی را درگیر بنگاهداری می‌کند



اسمعیل طاهر بهروز

وکیل پایه یک دادگسری

دیدگاه

تعدیه دیون دولت به سازمان تأمین اجتماعی به صورت غیرنقدی، مخالف تبصره «۲» ماده (۲۸) قانون این سازمان است. وظیفه تأمین اجتماعی،

ایجاد تناسب و تعادل در منابع مالی و تعهدات این سازمان مدیریت بیمه‌گری است؛ در صورتی که تسویه دیون غیرنقدی، این سازمان را درگیر بنگاهداری، بازارگردانی، مالکیت واحدهای مسکونی و از این قبیل مسائل می‌کند. این رفتار با قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی نیز انطباق ندارد.

واگذاری غیرنقدی در سال‌های گذشته همواره با واگذاری اموال و شرکت‌های زبنده دولتی به سازمان تأمین اجتماعی همراه بوده است. البته در مواردی، شرکت‌های خوب هم به این سازمان واگذار شد اما عموماً واحدهای واگذار شده، مشکلات زیادی داشته و مشمول ماده (۱۰۱) قانون تجارت بودند. در واقع می‌توان گفت به نحوی شکل و روش‌سنگی داشتند. بیشتر این واحدها دیون و تعهدات انباشته غیرمترعار داشتند. مسائل کارگری، وجود نیروی انسانی مازاد، تأخیر در پرداخت‌های کارگران و اعتراضات کارگری و مسائلی از این دست، فقط بخشی از مشکلات این واحدها بوده است. در چنین شرایطی تأمین اجتماعی مجبور است پرداخت‌هایی داشته باشد تا مشکلات این واحدها رفع شود. همه این واگذاری‌ها عملاً بار سازمان را سنگین کرده و به این ترتیب عایدی مستقیم در واگذاری غیرنقدی، نصیب سازمان نشده است. با چنین واگذاری‌هایی نه تنها مسئله نقدی این سازمان حل نمی‌شود،



دولت در لایحه کلمه میادین نفتی را نوشته است. ما باید برای هر چاه نفتی سرمایه‌گذاری کنیم و رسیدن به بازدهی این چاه به چهار تا پنج سال زمان نیاز دارد. حداقل یک تا یک و نیم میلیارد دلار باید روی چاه نفت سرمایه‌گذاری شود تا بعد از این مدت به درآمذایی برسد

به یکسری دستگاه‌ها و از جمله تأمین اجتماعی بدهد. در این رابطه چه نظری دارید؟

ما در بودجه امسال هم این مسأله را داشتیم، اما نهایی نشد. دولت در لایحه کلمه میادین نفتی را نوشته است. ما باید برای هر چاه نفتی سرمایه‌گذاری کنیم و رسیدن به بازدهی این چاه به چهار تا پنج سال زمان نیاز دارد. حداقل یک تا یک و نیم میلیارد دلار باید روی چاه نفت سرمایه‌گذاری شود تا بعد از این مدت به درآمذایی برسد. مگر سازمان منابع مالی دارد که آنجا سرمایه‌گذاری کند؟ پیشنهاد ما این است که دولت اگر از چاه‌های نفت بهره‌برداری کرد، منابع آن را به ما منتقل کند. مگر من پول دارم که آنجا سرمایه‌گذاری کنم؟ ما هر سال کسری داریم. هم‌اکنون با افزایش ۲۸ درصدی که در مستمری‌ها رخ داد، هزینه‌هایی به سازمان بار شد. این کسری‌ها را از کجا باید پوشش دهیم؟ پولی برای سرمایه‌گذاری نداریم که برای چهار سال آینده سرمایه‌گذاری کنیم تا بعدها به محصول برسیم. البته میادین گازی بد نیست.

مثلاً اگر دولت یک میدان گازی را به ما منتقل کند، شاید به ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری نیاز داشته باشد، اما شرایط میادین نفتی متفاوت است. در جلساتی هم که معاون اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی در دفتر معاون اقتصادی رییس‌جمهور برای این موضوع شرکت کرد، نظرات سازمان منتقل و اعلام شد که میادین نفتی به درد ما نمی‌خورد.

اقتصادی

اگر می‌خواهند از محل نفت دیون خود را پرداخت کنند، حواله‌های نفتی قابل معامله در بورس انرژی را به ما عرضه کنند. یا اینکه سیستم عرضه این حواله‌ها در بورس را راه‌اندازی کنند تا ما حواله را در بازار به کاربر نهایی که نفت صادر می‌کند، منتقل کنیم. درآمد حاصل از آن نیز با بخشی تخفیف به ما منتقل شود؛ نه اینکه ما ۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کنیم تا به منابع مالی برسیم. اگر ما اینقدر پول داشتیم، کسری‌های‌مان را پوشش می‌دادیم. سهام‌های دولتی مثل شرکت ملی مس و غیره نزدیک به ۲۰۰ هزار میلیارد تومان ارزش دارد. همین‌ها را به تأمین اجتماعی منتقل کنند؛ هم ما می‌توانیم از سوددهی آن استفاده کنیم و هم منابعی برای سازمان ایجاد می‌کند و می‌تواند تعهدات را پوشش دهد. باید برای تسویه دیون دولت منابع نقدی گذاشته شود. واگذاری اسناد خزانه هم برای ما مفید است. درست است اگر بخواهیم اسناد خزانه را در بازار تبدیل کنیم، برای‌مان هزینه دارد. سال گذشته برای کارهای بیمه‌ای اسناد خزانه گرفتیم و با ۲۲،۵ درصد تخفیف آن را تبدیل کردیم. خیلی خوب کار کردیم و پیگیر بودیم تا توانستیم با این نرخ تبدیل کنیم و گر نه باید با ۲۸ یا ۲۹ درصد تخفیف این اسناد را به فروش می‌رساندیم. اما ارائه این اسناد باز هم به نفع سازمان تأمین اجتماعی است. نفتی هم که دولت به ما منتقل می‌کند، ما باید حداقل با ۳۰ درصد تخفیف بفروشیم و بازهم این میزان را ضرر کرده‌ایم. بنابراین بهترین راهکار این است که دولت یک مبلغی را به صورت نقدی بگذارد و بقیه را هم به صورت سهام شرکت‌های بورسی بدهد تا سازمان جانی دوباره بگیرد.

نکته تکمیلی دارید؟

ما پیشنهادات خود را به سازمان برنامه و بودجه ارائه کردیم. در بحث برنامه هفتم توسعه چند پیشنهاد برای رد دیون دادیم. یکی از این پیشنهادات این بود که دولت سالانه صد درصد تعهدات جاری را نقدا پرداخت کند. برای تسویه بدهی‌های قبلی هم گفتیم که شرکت‌های (DPS) محور را به ما بدهند یا تها در قالب بدهی‌های بانکی و بدهی‌هایی که به سازمان تنظیم مقررات داریم، در دستور کار قرار گیرد. یا اینکه شرکت‌های با بازدهی مناسب و بورسی را به ما عرضه کنند. اگر پیشنهادات سازمان تأمین اجتماعی در برنامه هفتم اجرایی و تصویب شود، پیشنهاد توسط دولت به مجلس منتقل شود و در نهایت تصویب شود، برای تأمین اجتماعی به عنوان بزرگترین صندوق بیمه‌ای کشور فتح‌بایی خواهد شد. اگر بخواهیم این ناترازی که اتفاق افتاده است را جبران کنیم، راهکارهایش در برنامه هفتم ارائه شده است. در قانون بودجه سال آینده هم باید پیشنهادات برنامه هفتم را مدنظر قرار دهند تا سازمان تأمین اجتماعی جان تازه‌ای بگیرد و نقدینگی در رگ‌های این سازمان تزریق شود.



مجموعه‌هایی که از این ساختار طلب دارند، ارائه کرد. این تها تر باعث می‌شود بدهی سازمان کم‌شود. در این سازکار عملاً هدف اصلی تأمین نقدینگی، محقق نمی‌شود اما با توجه به تعدیه بدهی بانک‌ها و دیگر مجموعه‌ها، وضعیت مناسبی برای سازمان ایجاد می‌شود. همچنین از این اوراق می‌توان برای تها تر بدهی‌های سازمان و شرکت‌هایش با سازمان امور مالیاتی نیز استفاده کرد. عمده مشکلی که برای تسویه دیون دولت با واگذاری نفت و گاز، ایجاد می‌شود، روند تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی مرتبط است. شاید ملاحظات و وجود دارد که دستگاه‌ها چندان تمایل ندارند این مسیر را پیش ببرند، اما این راهکاری می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. این راهکار در بند «۲» بودجه سال گذشته نیز وجود داشت، اما اجرایی نشد. اگر سازمان بخواهد از میعانات نفتی و گازی استفاده کند، باید سرمایه‌گذاری سنگینی در این زمینه انجام دهد و در این فرایند، تخصص نیز اهمیت فراوانی دارد. در این بین راهکاری که به جای این گزینه به ذهن می‌رسد، تحویل حواله انرژی است. سازمان می‌تواند این حواله را در بورس عرضه کند. البته سازوکار این عرضه نیز باید تعریف شود. به نظر می‌رسد با فروش حواله، نقدینگی خوبی به دست سازمان می‌رسد.



یادداشت



اهمیت وصول مطالبات به صورت نقدی



زهرانوروزی

کارشناس مؤسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی

تبادل بدهی با دارایی‌های غیرنقدی یکی از این روش‌هایی است که نهاد دولت می‌تواند به منظور تسویه بدهی‌های خود از آن استفاده کند. در این راستا، دولت می‌تواند در آمد حاصل از خصوصی‌سازی را برای تسویه بدهی‌های خود به کار برد. در شرایطی طلبکاران قوه مجریه می‌توانند خریداران بالقوه دارایی‌های دولت باشند؛ چنانچه شرکت‌های واگذار شده به منظور خصوصی‌سازی پس از چندبار عرضه رقابتی به فروش نرسند، بر اساس قانون و مصوبه هیأت واگذاری می‌توان سهام شرکت‌های مذکور را به صورت مستقیم به طلبکاران بابت تسویه دیون انتقال داد. از این رو، جدا از ضرورت توجه به اولویت‌های دولت از لحاظ اقتصاد سیاسی، روش تأدیه بدهی‌های دولت باید با نیازمندی‌های سازمان تأمین اجتماعی و اهداف و الزامات این سازمان نیز منطبق باشد و ترکیب سید سرمایه‌گذاری‌ها از حیث بازده، ریسک و نقدشوندگی است که تعیین می‌کند چه روش تسویه بدهی برای سازمان مناسب‌تر است.

می‌توان گفت نقدشوندگی سرمایه‌گذاری‌ها در سه حالت یا شرایط از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. نخستین شرط به حجم یا میزان اندوخته بازمی‌گردد. اگر میزان اندوخته کم باشد، یعنی در واقع ما یک سیستم (PAYG) با ذخیره احتیاطی در حد و اندازه دو برابر مخارج سالانه داشته باشیم، آنگاه نقدینگی ذخایر دارای اهمیت است. این بدان دلیل است که هدف از نگهداری این ذخایر، پوشش هزینه‌ها و مخارج در مواجهه با تغییرات ناگهانی است. در مقابل اگر سیستم اندوخته‌گذاری کامل – یا اندوخته‌گذاری جزئی با حجم بالای اندوخته – باشد، آنگاه ریسک و بازده از اهمیت بیشتری بر خور دارند. حالت دوم به عمر یا بلوغ صندوق بازمی‌گردد. اگر صندوق جوان باشد – یعنی تعداد زیاد بیمه‌شده و تعداد بسیار کم مستمری‌بگیر – به اندوخته خود برای یک مدت طولانی نیاز ندارد؛ بنابراین می‌تواند به منظور کسب بازده‌های بالاتر سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت انجام دهد. اما با گذر زمان بر تعداد مستمری‌بگیران افزوده می‌شود که در اصطلاح به آن بلوغ صندوق گویند. بلوغ همچنین می‌تواند به دلیل گسترده شدن پوشش بیمه‌ای در سطح کل کشور اتفاق افتد، یعنی حالتی که دیگر نتوان به بیمه‌شدگان افزود. در صندوق‌های بالغ به دلیل افزایش مستمری‌بگیران از یک سو و ثابت ماندن بیمه‌شدگان و درآمد حق بیمه از سوی دیگر، ممکن است نیاز باشد تا مخارج از ذخایر تأمین شود. در این صورت نیز نقدینگی بیش از پیش اهمیت می‌یابد؛ اما حالت سومی که ممکن است نقدینگی پراهمیت شود، بسته به شرایط اقتصادی است. چشم‌پوشی از نقدینگی تنها در شرایط اقتصادی پایدار توجیه دارد. اگر اقتصاد متزلزل شود، ثبات بازارهای مالی و در نتیجه ارزش دارایی‌های مالی صندوق‌های اجتماعی نیز به خطر می‌افتد. می‌توان گفت سازمان تأمین اجتماعی ایران به دلیل افزایش تعداد مستمری‌بگیران و کاهش نسبت پشتیبانی تا ۴/۲، دیگر جوان نیست. همچنین این سازمان در معرض کسری قرار گرفته و باید از ذخایر اندوخته نه‌چندان زیاد خود برای پرداخت مخارج صرف کند. در حال حاضر سازمان تأمین اجتماعی مشکل نقدینگی دارد و فرصت پیش‌روی آن برای اصلاح نیز کم است، پس مطالبات این سازمان باید در نقدترین صورت ممکن وصول شود. در واقع تأدیه بدهی از دولت برای سازمان تأمین اجتماعی حکم تغییر سید سرمایه‌گذاری را دارد و هنگام این سرمایه‌گذاری جدید، نیازها و اولویت‌های سازمان باید مورد توجه قرار گیرند. این امر حکم می‌کند سرمایه‌گذاری‌ها و ذخایر سازمان از نقدشوندگی بالایی برخوردار شوند.